

محرم ۱۴۴۴ استاد علیدوست

عاشورا به مثابه یک دانشگاه پردیس جلسه ۳

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على رسول الله و على آله المعصومين و لعنة الله على اعدائهم
الغاصبين الظالمين

الهم كن لوليک الحجة الحسن صلواتک علیه وعلی آباءه فی هذه الساعة و فی کل الساعة ولیا و حافظا وقائدا
و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

خداوند بزرگ فرج عزیزش را معجل گرداند، ما را از بهترین یاران و سربازانش قرار دهد به برکت صلوات بر
محمد و آل محمد

هماره یکی از مسائل مهم بحث طهارت نماز بوده است....

البته هدف از بیان این مسائل این است که شما هم به دیگران آن را منتقل کنید و الا می دانیم که خود شما
رعایت میکنید و مقید به این موارد هستید..

افرادی هستند که عمری نماز را اشتباه می خوانند و یا اشتباه وضو می گیرند... این ها باید احکام را بدانند و
یاد بگیرند و به کار بندند و همان طور که شب قبل گفتم نماز ناموس خداست و بر ماست که نسبت به
این واجب الهی مراقب کامل باشیم...

یک نکته و آن این که روح نماز هم مهم است ما گاهی اوقات شرایط نماز را رعایت می کنیم، اما معنا و
مفهوم واقعی نماز را رعایت نمی کنیم که آن روح نماز است لذا نماز گزار ممکن است بگوید بسم الله الرحمن
الرحیم ولی در وجودش ذره ای نشانه از رحمانیت و رحیمیت و یا بخشیدن و بخشیدن وجود ندارد ممکن
است بگوید ایاک نعبد و ایاک نستعین اما از تنها کسی که کمک نمی خواهد خدای متعال هست و از هر
کس و ناکسی کمک می خواهد و دست گدایی دارد! این جا است که باید گفت نماز گزار روح نماز را بایستی
رعایت کند....

البته ممکن است گفته شود نماز او باطل نیست و اگر از مجتهدی هم سوال شود می گوید نماز او صحیح
است اما نمازش خالی از یک روح واقعی است و آن عمل به مفاهیم نماز است.. و پیاده کردن معانی زیبای
نماز و تجسم آن ها در عمل و رفتار ...

صحیح بودن نماز یک امر است اما قبولی نماز و رعایت روح نماز امری دیگری است ...

بهلول گنابادی زمانی می گفت من جمکران رفتم و دوپست دروغ گفتم و برگشتم او میگفت در نماز امام
زمان دوپست مرتبه ایاک نعبد و ایاک نستعین گفته میشود چون من به مطالبی که گفتم عمل نمی کنم پس

همین مقدار درواقع دروغ گفته ام ... البته باید گفت چهارصد دروغ. دویست مرتبه ایاک نعبد و دویست مرتبه ایاک نستعین.

پس نمازگزار کارهایی را که باید انجام دهد

۱. خواندن نماز
۲. رعایت شرایط فقهی نماز
۳. توجه به روح نماز

خدای بزرگ انشاءالله همه ما را از نمازگزاران و روزه داران قرار دهد متوسل می شویم به صلوات بر محمد و آل محمد ...

عرض کردیم که واقعه عاشورا مثل یک دانشگاه پردرس است ...

یکی از درس ها را دیشب مطرح کردم که کربلا نشان داد که انسان می تواند هم ریزش داشته باشد هم رویش

- ممکن است عمری را اشتباه برود اما کافی است با یک توجه بروید و رستگار شود که در این باره، مثال به زهیر و حر زدم که رویش داشتند اما کسانی مثل شمر و یا عمر سعد ریزش داشتند .

نکته این است که الان هم ریزش و رویش داریم....واین گونه نیست که این تحولات مخصوص شمر و حر بوده باشد...

دوره ای را که ما در آن زندگی می کنیم من تعبیر کردم به «دوره حاکمیت امواج ضلال»

در روایتی که امام باقر علیه السلام به جابر بیان می کنند به او می گویند که دوره ای خواهد آمد که:

روی عن جابر الجعفی قال: قلت لأبی جعفر علیه السلام: متى یکون فرجکم؟

فقال: هیئات لا یکون فرجنا حتی تغربلوا ثم تغربلوا ثم تغربلوا یقولها ثلاثا حتی یذهب الکردر و یبقی الصفو.

جابر می گوید: به امام باقر(علیه السلام) عرض کردم:

گشایش امر شما چه زمان واقع شود؟

فرمود: هیئات، هیئات، فرج و گشایش ما صورت نگیرد تا آنکه همه ی شما غربال شوید، همه غربال شوید، همه غربال شوید - سه بار فرمودند - تا ناصافی ها بروند و خالص ها باقی بمانند.

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام است که فرمودند: روزگاری خواهد آمد که انسان صبح میکند در حالی که مسلمان است و شب که فرا میرسد کافر است....

و در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام است که روزگاری خواهد آمد که انسان نگاه به کف دستش که می کند از همه جا خبردار می شود؛ ...

احتمال دارد منظور امام علیه السلام همین کف دست بوده است و یا همین گوشیها و موبایلها است.

در واکنش به این فضاهای مجازی راهکار، ترس نیست؛ بلکه مسلح بودن راهکار صحیح است. این جریان مثل مسافری است که قصد مسافرت دارد و از قبل تمام لوازم و تجهیزات را که نیاز دارد بر میدارد و تمام شرایط را از قبل پیش بینی می کند و با توجه به آنها خود را مسلح می کند .

در این دوران باید مسلح بود؛ ما نباید جوان را محبوس کنیم و این کار را اگر حکومت و یا بزرگ خانواده انجام میدهند اشتباه است... باید جوانان را مسلح کرد به سلاح مناسب و..

امروز جریان ریزش و رویشها بیش از هر زمان دیگر محسوس است مخصوصا با این فضاهای جدید.. نکته دیگر این که این ادعا که کوفه و مردم آن عوض شدند و کسانی که اول نامه نوشتند بعدا همه به یکبار عوض شدند وعلیه امام صف آرایی کردند، آیا ماهیتا این ها عوض شدند آن هم به یکبار یا این که ماهیت آن ها با جریان کربلا کشف شد؟ کدامیک؟

این درست است که گاه جامعه عوض می شود؛ مثلا اگر صالح است طالح می شود و یا برعکس اما گاه به این شکل هست که باطن خود را نشان میدهد و چیزی عوض نمی شود بلکه اگر انسان است و یا جامعه ،شرایطی پیش می آید که این انسان و یا جامعه خود را و باطن حقیقی خود را به ما و به تاریخ نشان میدهند؛ چنان که کوفه و مردم کوفه این گونه بودند... من می خواهم بگویم امثال شمر در واقعه کربلا کسانی هستند که باطن خود را به تاریخ نشان دادند .یعنی شمر کنار علی بن ابیطالب هم شمر بود اما زمینه بروز و ظهور شمر واقعی را نداشت ..شمر در کوفه بود و امام علی علیه السلام هم حاکم کوفه و شمر هم آمد و شد از یاران امام علی علیه السلام ...

انسان باید همیشه ماهیت خود را بشناسد...

از علماست که چند چیز هست که انسان را عوض میکند یکی از آنها مراقبت در روز و محاسبه در شب ؛ همین که انسان همواره به درون خود سرک بکشد و از خودحسابرسی کند...

حالتی هم هست که انسان مرتب به خود دروغ می گوید :

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ

متأسفانه انسان همواره بیشترین دروغ را به خود میگوید...چقدر بنده و امثال بنده کارمان را توجیه می کنیم؟قرآن می گوید وقتی ما به این ها می گوئیم فساد نکنید می گویند ما فساد نمی کنیم...در حالی که این ها خود فاسدند ...

حرام را انجام میدهد و توجیه می کند و یا غیبت می کند و بعد غیبت را توجیه میکند ..وقتی به عده ای گفته می شود که چرا غیبت میکنید ؟ می گوینداین افشاگری است ؛ یا فلانی مرده است و یا من جلو او هم باشد همین حرفها را میزنم ...این ها هیچ کدام توجیه کننده غیبت نمی تواند باشد....

باید دائم مواظب باشیم و به خودمان سرک بکشیم...

شیخ عباس قمی صاحب مفاتیح الجنان در سفری که به مشهد داشت و از او می خواهند که امام جماعت مسجد گوهر شاد شود یکی دو شب که امام جماعت بود دیدند شب سوم دیگر نیامد وقتی علت را از او جویا شدند گفت من حس کردم که دارم گرفتار عجب می شوم به دلیل کثرت جمعیتی که پشت سر خود دیدم و لذا به این نتیجه رسیدم که من به درد امام جماعت نمی خورم... بحث این است که بزرگان ما تا این حد مراقب و مواظب بودند ...

علما می گویند سه عنصر هست که همچون اکسیر هست که انسان را عوض می کند اول مراقبه روز و دوم، محاسبه شب... و سوم هم موردی است که بعدا آن را بیان می کنم ...

مشکل انسان این است که دائم کار خود را توجیه می کند ؛ سوال این است که چرا انسانی که کار خود را این گونه توجیه می کند حاضر نیست کار دیگران را هم توجیه کند؟!

انسان دائم به خود دروغ میگوید...

من در جلسه کرج که سالها قبل در خصوص غیبت ، سخنرانی داشتم شمردم دیدم که ما ۱۶ توجیه برای غیبت داریم...

شبهها ، شبههای مصیبت و عزا است می تواند شبههای عبرت هم باشد

کافی است که به خود بیندیشیم که اگر ما با ویژگیهایی که داریم اگر به پست و مقامی برسیم چه میکنیم؟ حدیثی است از امام صادق علیه السلام : کل قد اضمر ما اظهر فرعون امام صادق فرمودند همه فرعون اند با این تفاوت که فرعون زمینه یافت اما دیگران زمینه نیافتند ... که خود را نشان دهند و شخصیت واقعی خود را بروز دهند ...

این است که باید محاسبه در شب و مراقبت در روز را داشته باشیم...

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَیْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ الْأَيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَا جَعَلَ اللَّهُ ءَاخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى ابْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

بحث این است که چقدر این ها رذل بودند با این که امام را به شهادت رساندند و سر امام علیه السلام را از تن جدا کردند اما باز هم دست بردار نبودند و شد آن چه شد ...

در حضور ابن زیاد وقتی داشتند دلاوریهای خود را !!!! بیان می کردند گفتند:

وَقَفُوا عَلَى ابْنِ زِيَادٍ لَعَنَهُ اللَّهُ ، فَقَالَ أَسِيدُ بَنِي مَالِكٍ أَحَدُ الْعَشْرَةِ: نَحْنُ رَضَضْنَا الصَّدرَ بَعْدَ الظَّهْرِ بِكُلِّ يَعْبوبٍ شَدِيدِ الْأَسْرِ فَقَالَ ابْنُ زِيَادٍ لَعَنَهُ اللَّهُ: مَنْ أَنْتُمْ؟ قَالُوا: نَحْنُ الَّذِينَ وَطَّنَا بِخَيْولِنَا ظَهَرَ الْحُسَيْنِ حَتَّى طَحَنَّا حَنَاجِرَ صَدْرِهِ. قَالَ: فَأَمَرَ لَهُمْ بِجَائِزَةٍ يَسِيرَةٍ. قَالَ أَبُو عَمَرَ الرَّاهِدُ: فَنَظَرْنَا إِلَى هَؤُلَاءِ الْعَشْرَةِ ،

فَوَجَدْنَاهُمْ جَمِيعًا آوْلَادَ زُنَىٰ، وَهَؤُلَاءِ أَخَذَهُمُ الْمُخْتَارُ ، فَشَدَّ أَيْدِيَهُمْ وَأَرْجُلَهُمْ بِسِجِّكِ الْحَدِيدِ ، وَأَوْطَأَ
الْخَيْلَ ظُهُورَهُمْ حَتَّىٰ هَلَكُوا.

از میان آنان ، اسید بن مالک گفت : ما بودیم که پشت و سپس سینه [ی او] را با همه اسب های بزرگ و تیزتک ، خرد کردیم .ابن زیاد . که خدا لعنتش کند .گفت : شما که هستید ؟ گفتند: ما کسانی بودیم که بر پشت حسین ، اسب دواندیم تا آن که سینه و گلوی حسین را آسیاب کردیم .ابن زیاد ، فرمان داد جایزه اندکی به آنان بدهند .ابو عمر زاهد می گوید : ما به این ده تن نگریستیم و همه آنان را زنارزاده یافتیم . مختار ، آنان را دستگیر کرد و با زنجیرهای آهنین ، دست و پاهایشان را بست و بر پشتشان اسب دواند تا به هلاکت رسیدند.

اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد وال محمد ... و آخر تابع له على ذلك

خدایا ما را با معارف نورانی اسلام آشنا بگردانو توفیق عمل به این معارف را نصیب ما بگردان ...